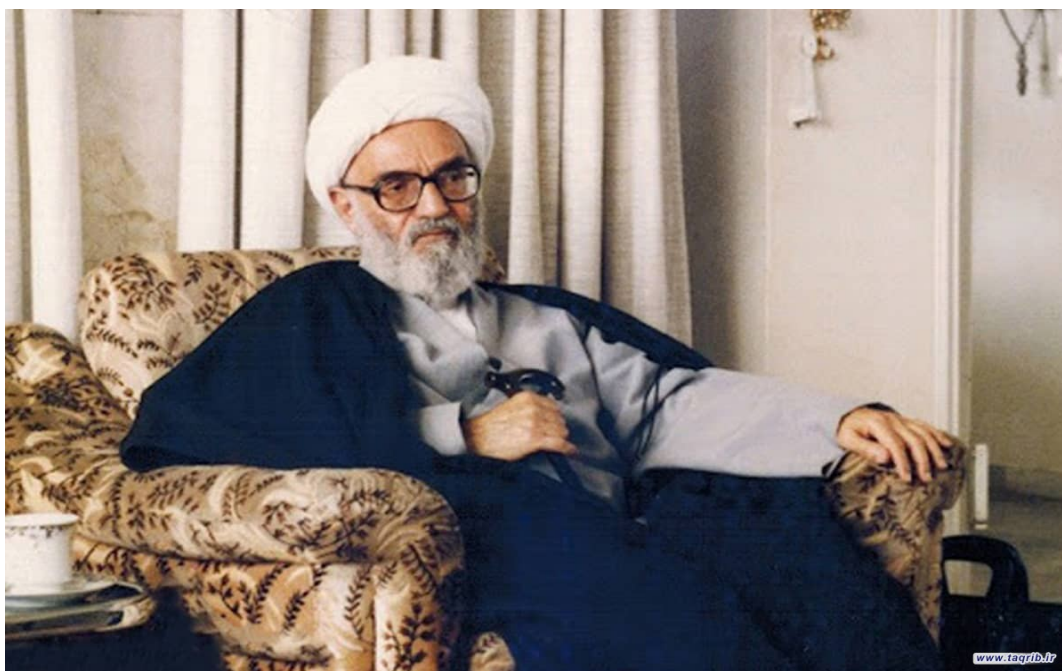


حمایت مالی آیت‌الله العظمی بروجردی از مجلات اهل سنت



آیت‌الله واعظ زاده خراسانی درباره حمایت‌های مالی آیت‌الله بروجردی از رساله‌الاسلام الازهر مصر می‌گوید: رفیق ما میردامادی می‌گفت یک روز صبح در بازار به نماینده آقای بروجردی برخورد کردم گفتم حاجی رساله‌الاسلام که در مصر منتشر می‌شود چند تا آخوند ازهری هست اینها پول ندارند، تو پول بده ما بفرستیم برای‌شان اصلاً دارالتقريب پول می‌خواهد، چون دولتی نبود عنایت هم داشتند که از دولت هیچ کمک نگیرند.

گفت باز يك روز توی بازار دیدم دارد از دور می‌خندد، گفتم حاجی چه کار کردی؟ گفت رفتم به آقای بروجردی گفتم آقای بروجردی گفت هم خوت پول بده و هم از وجوهات بده و ایشان پول می‌داد می‌فرستاد به مصر که رساله‌الاسلام به وسیله این پول چاپ می‌شد.

بعد از رحلت آیت ا [بروجردی، رساله الاسلام که در مصر چاپ می شد تعطیل شد، یعنی با پول او منتشر می شد. ما فهمیدیم که حتی آیت ا [بروجردی پول رساله الاسلام را می دهد که در مصر چاپ شود. اینقدر همه اش هم که بحث شیعه نبود بحث "وحدت" بود ، افکار اهل تسنن مطرح بود، تعریف خلفا بود همه چیز بود، درباره شیعه هم بود، این کاری بود که آیت ا [بروجردی کرد و فوت شد.

*** تربیت نیروی انقلابی توسط شهید بهشتی ***

آیت ا [واعظ زاده خراسانی درباره دوران دیشی شهید بهشتی برای تربیت نیروهای انقلابی توسط وی از سال های اول مبارزه می گوید: «در قم ما بسیار با شهید بهشتی رفیق بودیم. وی دبیرستانی داشت که من آنجا می رفتم و او را می دیدم اصلاً قبل از اینکه فقط طلبة مدرسه حجتیه بود او را دیده بودم. عجیب این است که آن مرد از همان وقت مشغول تربیت افرادی در دبیرستان بود که اگر يك روزی انقلابی شد اینها سر کار بیایند اقلاً 2 هزار دبیرستانی که خودش تربیت کرده بود وقتی روی کار آمد و اینها را کارها دست شان داد ، اینقدر او از قبل پیش بینی کرده بود و این خیلی مهم است و این را مردم نمی دانند که دبیرستان ایشان افرادی را با فکر اسلامی و انقلابی تربیت می کرد.»

*** خوابی که آیت ا [واعظ درباره تبعید امام به ترکیه دید ***

آیت ا [واعظ زاده خراسانی در خاطرات خود درباره خوابی که قبل از تبعید امام خمینی (ره) به ترکیه دیده بود می گوید: خواب دیدم که من آمدم توی خیابان حالا من اینطرف چپ خیابان هستم داریم به حرم می رویم. آن طرف خیابان امام با پسرش مرحوم آقا سیداحمد دارند می روند و عبايشان را هم بالای سرشان انداختند. دیدم آنجا يك مسجدی است الان هم هست؛ طبقه بالا زیرش مغازه است. من دیدم آن بالا هست ایشان روی تخت و من هم روی يك تخت و من به خاطر اینکه ایشان را گرفتند گریه می کنم.

از خواب بیدار شدم حالا این دفعه دوم است که امام را گرفته‌اند. من این خواب را خودم تعبیر کردم که دو نفر عبایشان را سرشان کشیدند می‌روند هیچ کس هم اینها را نمی‌شناسد و سلام و علیک هم نمی‌کند. گفتم امام را تبعید می‌کنند با پسرش. بعد فکر کردم کجا تبعید می‌کنند در خارج ایران در پاکستان الی ماشاءا شیعہ‌ها هستند دور امام را می‌گیرند، لبنان الی ماشاءا شیعہ‌ها، سوریه همینطور، ترکیه اگر اسلامبول آنجا در حدود 100 هزار شیعہ آن‌وقت داشت حالا بیستراست دور امام را می‌گیرند بعد به فکر رسید که يك شهر دیگری از ترکیه که مردم همه ترك هستند فارسی هم بلد نیستند، جریان امام خمینی و اینها هم به گوششان نرسیده ایشان را می‌برند آنجا تبعید می‌کنند. بعد از مدتی گفتند امام را بردند درست این خواب ما تأویل شد.

*** تشکیل مجمع تقریب به دستور مقام معظم رهبری ***

آیت‌ا واعظ زاده خراسانی در بخشی از خاطرات خود در رابطه با نحوه تشکیل مجمع تقریب می‌گوید: مقام معظم رهبری دستور دادند يك مجمعی به نام مجمع اهل‌بیت در تهران تأسیس شد که در جلسه اولیه‌ای که علما جمع شده بودند من هم آنجا سخنرانی کردم در همان جلسه صحبت شد که خوب است يك جایی هم برای تقریب درست کنیم، همین قدر صحبت شد بعد يك روز با آیت‌ا تسخیری خدمت مقام معظم رهبری بودیم، به ایشان گفتیم که در جلسه‌ای که مجمع اهل‌بیت تشکیل شده بود صحبت این شد که يك جایی هم برای تقریب درست کنیم ایشان فرمودند خیلی خوب است این را تأسیس کنید بعد ایشان به آقای تسخیری فرمودند که خوب این را به عهده چه کسی بگذاریم و وی گفت که آقای واعظ زاده. این بود که مقام معظم رهبری يك نامه‌ای به من نوشتند که آن را دارم؛ فرمان ایشان است که شما مؤسسه‌ای را به نام تقریب تأسیس کنید.

*** مقام معظم رهبری فرمودند دانشگاه مجمع تقریب، از خود مجمع هم مهم‌تر است ***

آیت‌الله واعظ زاده خراسانی درباره اهمیت دانشگاه تقریب در نظر مقام معظم رهبری می‌گوید: بعدها به فکر افتادیم که يك دانشگاه تقریب درست کنیم در هیچ جا چنین چیزی نبود حتی در الازهر هم که گفته می‌شد که همین کسانی که طرفدار تقریب بودند می‌خواستند يك رشته تقریبی در آنجا تأسیس کنند ولی نشد؛ فقط استادانشان فکر تقریبی داشتند یعنی وقتی درس فقه می‌گفتند آراء فقهی شیعه را هم در درسشان می‌گفتند اما يك رشته‌ای به نام فقه شیعه در آنجا نبود .

يك روز رفته بودیم خدمت مقام معظم رهبری؛ گفتیم به فکر افتادیم يك دانشگاهی تأسیس کنیم با مذاهب اربعه سنی و مذهب شیعه دانشجو بگیریم و افکار شیعه و سنی همه را برایشان درس بدهیم. ایشان گوش دادند و سپس فرمودند این دانشگاه از خود مجمع مهمتر است و انصافاً همین است. هر مذهبی باید يك رشته داشته باشد و فقها و استادان خودشان بیایند، شاگردها هم از خودشان بیایند یا از دیگر مذاهب بیایند مثلاً حنفی‌ها بیایند فقه شافعی را بخوانند، بیایند گوش بدهند، فقه شیعه را بیایند گوش بدهند. ولی هر يك از اینها جدا. ایشان فرمودند این دانشگاه از خود مجمع هم مهم‌تر است. علتش هم واضح است؛ برای اینکه مجمع آدم تربیت نمی‌کند حالا تبلیغ می‌کنیم واعظ، منبر، اما اینجا دانشجو تربیت می‌کند، 3 سال، 4 سال اینها می‌آیند اینجا با هم ارتباط دارند، شیعه و سنی هم با هم رفیق هستند با هم ارتباط دارند. درباره حمایت‌های مالی آیت‌الله بروجردی از رساله‌الاسلام الازهر مصر می‌گوید: رفیق ما میردامادی می‌گفت يك روز صبح در بازار به نماینده آقای بروجردی برخورد کردم گفتم حاجی رساله‌الاسلام که در مصر منتشر می‌شود چند تا آخوند ازهری هست اینها پول ندارند، تو پول بده ما بفرستیم برای‌شان اصلاً دارالتقریب پول می‌خواهد، چون دولتی نبود عنایت هم داشتند که از دولت هیچ کمک نگیرند.

گفت باز يك روز توی بازار دیدم دارد از دور می‌خندد، گفتم حاجی چه کار کردی؟ گفت رفتم به آقای بروجردی گفتم آقای بروجردی گفت هم خوت پول بده و هم از وجوهات بده و ایشان پول می‌داد می‌فرستاد

به مصر که رساله‌الاسلام به وسیله این پول چاپ می‌شد.

بعد از رحلت آیت‌الله بروجردی، رساله‌الاسلام که در مصر چاپ می‌شد تعطیل شد، یعنی با پول او منتشر می‌شد. ما فهمیدیم که حتی آیت‌الله بروجردی پول رساله‌الاسلام را می‌دهد که در مصر چاپ شود. اینقدر همه‌اش هم که بحث شیعه نبود بحث "وحدت" بود، افکار اهل تسنن مطرح بود، تعریف خلفا بود همه چیز بود، درباره شیعه هم بود، این کاری بود که آیت‌الله بروجردی کرد و فوت شد.

*** تربیت نیروی انقلابی توسط شهید بهشتی ***

آیت‌الله واعظ زاده خراسانی درباره دوران‌دیشی شهید بهشتی برای تربیت نیروهای انقلابی توسط وی از سال‌های اول مبارزه می‌گوید: «در قم ما بسیار با شهید بهشتی رفیق بودیم. وی دبیرستانی داشت که من آنجا می‌رفتم و او را می‌دیدم اصلاً قبل از اینکه فقط طلبه مدرسه حجتیه بود او را دیده بودم. عجیب این است که آن مرد از همان وقت مشغول تربیت افرادی در دبیرستان بود که اگر يك روزی انقلابی شد اینها سرکار بیایند اقلاً 2 هزار دبیرستانی که خودش تربیت کرده بود وقتی روی کار آمد و اینها را کارها دست‌شان داد، اینقدر او از قبل پیش‌بینی کرده بود و این خیلی مهم است و این را مردم نمی‌دانند که دبیرستان ایشان افرادی را با فکر اسلامی و انقلابی تربیت می‌کرد.»

*** خوابی که آیت‌الله واعظ درباره تبعید امام به ترکیه دید ***

آیت‌الله واعظ زاده خراسانی در خاطرات خود درباره خوابی که قبل از تبعید امام خمینی(ره) به ترکیه

دیده بود می‌گوید: خواب دیدم که من آدم تو خیابان حالا من اینطرف چپ خیابان هستم داریم به حرم می‌رویم. آن طرف خیابان امام با پسرش مرحوم آقا سیداحمد دارند می‌روند و عبايشان را هم بالای سرشان انداختند. دیدم آنجا يك مسجدی است الان هم هست؛ طبقه بالا زیرش مغازه است. من دیدم آن بالا هست ایشان روی تخت و من هم روی يك تخت و من به خاطر اینکه ایشان را گرفتند گریه می‌کنم.

از خواب بیدار شدم حالا این دفعه دوم است که امام را گرفته‌اند. من این خواب را خودم تعبیر کردم که دو نفر عبايشان را سرشان کشیدند می‌روند هیچ کس هم اینها را نمی‌شناسد و سلام و عليك هم نمی‌کند. گفتم امام را تبعید می‌کنند با پسرش. بعد فکر کردم کجا تبعید می‌کنند در خارج ایران در پاکستان الی ماشاءالله شیعه‌ها هستند دور امام را می‌گیرند، لبنان الی ماشاءالله شیعه‌ها، سوریه همینطور، ترکیه اگر اسلامبول آنجا در حدود 100 هزار شیعه آن‌وقت داشت حالا بیشتر است دور امام را می‌گیرند بعد به فکر رسید که يك شهر دیگری از ترکیه که مردم همه ترك هستند فارسی هم بلد نیستند، جریان امام خمینی و اینها هم به گوششان نرسیده ایشان را می‌برند آنجا تبعید می‌کنند. بعد از مدتی گفتند امام را بردند درست این خواب ما تأویل شد.

*** تشکیل مجمع تقریب به دستور مقام معظم رهبری ***

آیت‌الله واعظ زاده خراسانی در بخشی از خاطرات خود در رابطه با نحوه تشکیل مجمع تقریب می‌گوید: مقام معظم رهبری دستور دادند يك مجمعی به نام مجمع اهل‌بیت در تهران تأسیس شد که در جلسه اولیه‌ای که علما جمع شده بودند من هم آنجا سخنرانی کردم در همان جلسه صحبت شد که خوب است يك جایی هم برای تقریب درست کنیم، همین قدر صحبت شد بعد يك روز با آیت‌الله تسخیری خدمت مقام معظم رهبری بودیم، به ایشان گفتیم که در جلسه‌ای که مجمع اهل‌بیت تشکیل شده بود صحبت این شد که يك جایی هم برای تقریب درست کنیم ایشان فرمودند خیلی خوب است این را تأسیس کنید بعد ایشان به آقای

تسخیری فرمودند که خوب این را به عهده چه کسی بگذاریم و وی گفت که آقای واعظ زاده. این بود که مقام معظم رهبری يك نامه ای به من نوشتند که آن را دارم؛ فرمان ایشان است که شما مؤسسه ای را به نام تقریب تأسیس کنید.

*** مقام معظم رهبری فرمودند دانشگاه مجمع تقریب، از خود مجمع هم مهم تر است ***

آیت الله واعظ زاده خراسانی درباره اهمیت دانشگاه تقریب در نظر مقام معظم رهبری می گوید: بعدها به فکر افتادیم که يك دانشگاه تقریب درست کنیم در هیچ جا چنین چیزی نبود حتی در الازهر هم که گفته می شد که همین کسانی که طرفدار تقریب بودند می خواستند يك رشته تقریبی در آنجا تأسیس کنند ولی نشد؛ فقط استادان شان فکر تقریبی داشتند یعنی وقتی درس فقه می گفتند آراء فقهی شیعه را هم در درس شان می گفتند اما يك رشته ای به نام فقه شیعه در آنجا نبود .

يك روز رفته بودیم خدمت مقام معظم رهبری؛ گفتیم به فکر افتادیم يك دانشگاهی تأسیس کنیم با مذاهب اربعه سنی و مذهب شیعه دانشجو بگیریم و افکار شیعه و سنی همه را برایشان درس بدهیم. ایشان گوش دادند و سپس فرمودند این دانشگاه از خود مجمع مهمتر است و انصافاً همین است. هر مذهبی باید يك رشته داشته باشد و فقها و استادان خودشان بیایند، شاگردها هم از خودشان بیایند یا از دیگر مذاهب بیایند مثلاً حنفی ها بیایند فقه شافعی را بخوانند، بیایند گوش بدهند، فقه شیعه را بیایند گوش بدهند. ولی هر يك از اینها جدا. ایشان فرمودند این دانشگاه از خود مجمع هم مهم تر است. علتش هم واضح است؛ برای اینکه مجمع آدم تربیت نمی کند حالا تبلیغ می کنیم واعظ، منبر، اما اینجا دانشجو تربیت می کند، 3 سال، 4 سال اینها می آیند اینجا با هم ارتباط دارند، شیعه و سنی هم با هم رفیق هستند با هم ارتباط دارند.